

نقش نظام آموزشی در مواجهه با آسیب‌های پیش روی دانش‌آموزان در ارتباط با تعامل آن‌ها با فضای مجازی

سیده سارا شهابی^۱

اسکندر فتحی آذر^۲

علی جعفری^۳

تاریخ وصول: ۹۵/۰۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۹/۲۰

چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی نقش نظام آموزشی در مواجهه با آسیب‌های پیش روی دانش‌آموزان کاربر فضای مجازی است. در این پژوهش از روش تحقیق کیفی و از نوع پدیدارشناسی استفاده شده است. جامعه آماری شامل کلیه مدیران مدارس متوسطه دخترانه و کارشناسان نظام آموزشی شهر اردبیل می‌باشد. بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند، مصاحبه نیمه سازمان‌یافته‌ای با ۱۵ نفر از مدیران مدارس متوسطه و کارشناسان نظام آموزشی در مورد نقش نظام آموزشی در مواجهه با آسیب‌های پیش روی دانش‌آموزان کاربر فضای مجازی صورت گرفته است و برای حصول اطمینان از قابلیت اعتمادپذیری داده‌های پژوهش از روش مطالعه مکرر، مقایسه مستمر داده‌ها، خلاصه‌سازی و دسته‌بندی اطلاعات بدون اینکه داده‌ها آسیبی ببینند استفاده شد. داده‌ها با استفاده از روش پیشنهادی اسمیت تجزیه و تحلیل شدند. در رابطه با نقش نظام آموزشی، چهار مؤلفه‌ی اصلی شامل برنامه‌های آموزشی انجام شده، نقش مراقبتی و پیشگیرانه نظام آموزشی، موانع و مشکلات پیش رو و پیشنهادهای ارائه شده برای اثربخشی مؤثر برنامه به دست آمد. یافته‌های به دست آمده از پژوهش نشان می‌دهد که نظام آموزشی در مواجهه با آسیب‌های پیش رو، نقش مدرسه و نظام آموزشی را در حوزه فعالیت‌ها و برنامه‌های مراقبتی و پیشگیرانه، فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی، تقویت هویت دینی دانش‌آموزان مهم قلمداد می‌کند و در اجرای مؤثر برنامه‌ها با موانع و مشکلاتی از جمله همکاری ضعیف خانواده‌ها، محدودیت زمانی و مشکلات مالی، کم‌توجهی به بعد تربیتی دانش‌آموزان در فعالیت‌های فوق برنامه مواجه می‌باشند.

واژگان کلیدی: فضای مجازی، نظام آموزشی، دانش‌آموزان.

Sarah_shahabi65@yahoo.com

E-fathiazar@tabrizu.ac.ir

۱- کارشناس ارشد علوم تربیتی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

۲- عضو هیأت علمی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

۳- کارشناس ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه تبریز و کارشناس پژوهش اداره کل بهزیستی استان اردبیل، اردبیل، ایران.

jafari.ali1987@yahoo.com

مقدمه

جهان از اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی به تدریج وارد عصر نوینی شده است. با رشد شتابان تکنولوژی‌های ارتباطات و اطلاعات، به‌ویژه اینترنت و انتقال پرشتاب فعالیت‌ها و به‌طور کلی زندگی فردی و جمعی انسان به محیط‌های مجازی، اهمیتی روزافزون یافته و مجازی شدن را به نیروی محرک تغییر محیط زندگی انسان و از آن مهم‌تر به عامل اصلی تغییر الگوهای فکری و رفتاری و به معنایی دقیق‌تر «وجود انسان» تبدیل کرده است. ورود این پدیده به عرصهٔ حیات آدمی، اساس زندگی وی را دگرگون ساخته و معضلات ناشی از زندگی در جوامع انسانی را که نیازمند حفظ و دسترسی به اطلاعات گسترده و نیز تسریع در تبادل این اطلاعات است، با سرعت و دقتی بسیار بالا، مرتفع کرده است اما درعین حال به فضای سایبری (مجازی)، همانند هر مقوله‌ی دیگری که در عالم واقع وجود دارد، باید از منظر تهدید و فرصت، توأمان دیده شود. امروزه رسانه‌ها، خصوصاً رسانه‌های جمعی عامل مهمی در اثرگذاری بر افکار عمومی و جهت‌دهی به رفتارهای اجتماعی محسوب می‌شوند. ارتباط از طریق فضای مجازی در سال‌های اخیر جایگاه قابل‌توجهی در بین نسل جوان جامعه ما پیدا کرده است. شبکه‌های اجتماعی در ابعاد مختلف زندگی افراد (فردی و اجتماعی) تأثیرگذارند. برخی رسانه‌ها و تکنولوژی‌های نوین حکم شمشیر دو لبه را دارند یعنی به همان اندازه که می‌توانند بر لایه‌های مختلف زندگی تأثیر مثبت بگذارند، به همان میزان قادرند که در صورت استفاده نامناسب آسیب‌های جدی وارد سازند. حوزه دانش‌آموزی از مهم‌ترین حوزه‌های مطالعاتی است که باید توجه ویژه‌ای به آن داشت. مسأله امنیت دانش‌آموزان همواره یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظام آموزشی به شمار می‌آید ورود به فضای مجازی اینترنت از معضلات امنیتی مبتلابه دانش‌آموزان است که باید به آن توجه نمود. چگونگی رویارویی با مسائل فوق، پیش‌بینی‌ها و برنامه‌ریزی‌های خاص خود را می‌طلبد و در این میان، نظام آموزش و پرورش، نقشی کلیدی و بنیادین بر عهده دارد. هر کشور بنا بر دیدگاه‌ها و رویکردهای حاکم بر نظام برنامه‌ریزی درسی و آموزشی با شیوه‌های متفاوت به دنبال تدابیر مناسب برای مواجهه با چالش‌های فوق می‌باشد. مدارس به‌منظور تربیت صحیح دانش‌آموزان در ابعاد دینی، اخلاقی، آموزشی، علمی، اجتماعی، کشف استعدادها و هدایت رشد متوازن روحی و معنوی و جسمانی دانش‌آموزان فعالیت می‌کنند. در مدارس آموزش ارزش‌ها در لابه‌لای دروس گوناگون صورت می‌گیرد. معلم با شناخت امکانات به تجهیز محیط آموزشی می‌پردازد و با شناخت علایق و توانایی شاگردان، آنان را در جهت صحیح یادگیری هدایت می‌کند. از آنجایی که دانش‌آموزان معلمان را به‌عنوان الگوی زندگی خود برمی‌گزینند لذا آن‌ها باید با تخصصی که دارند دانش‌آموزان را به‌گونه‌ای که هدف نظام آموزشی است تربیت کند (Dehkordi, 2013: 98).

یکی از مسائل اساسی اهمیت نقش مدرسه در مقابل تحولات اجتماعی است. پاره‌ای از مربیان معتقد به پیروی مدرسه از جامعه می‌باشند. به نظر آن‌ها مدرسه باید تغییرات را بپذیرد و وضع خود را از لحاظ برنامه، هدف و روش آموزشی با تحولات جامعه تطبیق دهند. مدرسه به‌عنوان مرکز تربیتی در جنبه‌های

نقش نظام آموزشی در مواجهه با آسیب‌های پیش روی دانش‌آموزان در ارتباط با تعامل . . .

مختلف زندگی دانش‌آموزان تأثیر فراوان دارد. آماده کردن شاگردان برای برخورد با جریان‌ها و تحولات اجتماعی، آموزش مهارت‌های لازم جهت شرکت در زندگی جمعی به‌وسیله مدرسه صورت می‌گیرد بنابراین نباید نقش مدرسه را در تحولات اجتماعی دور داشت (Shariatmadari, 2012). به‌رغم حضور رسانه‌های پُر قدرت، جانشین شدن برنامه‌های کامپیوتری و بازی‌های ویدئویی به‌جای بازی و ارتباط با گروه‌های همسال و... همچنان مدرسه از اهمیت زیاد در انتقال ارزش‌ها برخوردار است. اگر ارزش‌ها و هنجارهای فرد را متأثر از چهار عامل مهم خانواده، دوست، مدرسه و محیط اجتماعی بدانیم، نقش مدرسه در دوران نوجوانی و جوانی در انتقال ارزش‌ها و هنجارها و تأثیر آن بر سایر متغیرهای تأثیرگذار بر محیط کودک و یا نوجوان، کاملاً مشخص و بارز است؛ نقشی که در شرایط فعلی زندگی و ارتباط کمتر پدر و مادر با فرزند، حتی پررنگ‌تر از همیشه است.

امروزه با توجه به تغییر و تحولات سریع و نیز فناوری‌های موجود رو به رشد، به‌ویژه در عرصه تکنولوژی‌های ارتباطی، نوع نگرش، طرز تفکر، تلقی‌ات افراد و در نتیجه شیوه و سبک زندگی مردم دچار تغییر شده و به‌تبع آن، عناصر معنوی فرهنگ نیز تحت‌الشعاع قرار گرفته است؛ امروزه طبقه‌ی جوان به دلیل برخی اقتضات و نیازهای روان‌شناختی و فطری از جمله نخواستگی و به‌روز بودن، نیاز به مقبولیت، محبوبیت اجتماعی و شادی و تفریح به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی رو می‌آورند. همچنین برخی زمینه‌ها مانند خلوتی، گمنامی اینترنت، امکان رابطه آزاد و بدون کنترل، فراگیری، سرعت و سهولت در ارتباطات و نظایر آن زمینه‌ساز گرایش بیشتر جوانان به چنین محیط‌هایی شده که هویت کاربران را تحت تأثیر قرار داده و آنان را در وضعیت آماده‌تری برای افتادن در مسیر بحران هویت قرار می‌دهد (Hosseini, 2014: 87-112). از سویی جامعه دانش‌آموزی کشور به‌ویژه دانش‌آموزان مقطع متوسطه به‌عنوان آینده‌سازان این مرزوبوم از اهمیت و حساسیت خاصی برای مسؤولان و جامعه برخوردارند بنابراین ضروری است که مؤسسات فرهنگی و از جمله نهاد آموزش و پرورش وارد عمل شود و با افزایش فهم و بصیرت دانش‌آموزان، یاریگر آن‌ها در عرصه‌های مختلف باشد.

در جامعه‌شناسی آموزش و پرورش به لحاظ تئوریک دو دیدگاه عمده وجود دارد. دیدگاه کارکردگرایان و دیدگاه افراطی اقتصاددانان که در شمار کارکردگرایان به‌شمار می‌آید که معتقدند آموزش و پرورش در نوگرایی جامعه تأثیر مثبت دارد زیرا ایجاد تخصص و مهارت می‌کند و تخصص و مهارت از لوازم مدرنیته است. آموزش و پرورش افراد را از طریق مسیر تجربیات مفید در جهت نوگرایی جامعه‌پذیر می‌کند و تجربیاتی در اختیار دانش‌آموزان می‌گذارد که باعث تغییر نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای افراد تحت تعلیم مناسب با نوگرایی و مدرنیته می‌شود هر جامعه‌ای در هر مقطع و شرایطی نیاز به نهاد آموزش و پرورش دارد. این نهاد با تکیه بر تشویق و تنبیه یعنی با تکیه بر ابزارها و ارائه الگوها و سرمشق‌هایی فرد را به لحاظ فکری و ارزشی و رفتاری آماده به‌عهده گرفتن نقش و مسؤولیتی در جریان نوگرایی جامعه می‌کند (Shams, 2002: 311).

نقد رادیکال‌ها از نظام آموزشی موجود و کارکرد آن در جهان سوم، این دیدگاه معتقدند که نظام آموزشی موجود به‌خصوص در جوامع جهان سوم کارآمد نیست و دلایلی که آن‌ها برای این ادعای خود عنوان می‌کنند به‌این‌ترتیب است. تحصیلاتی که در حین مدرسه به دانش‌آموزان ارائه می‌شود تحصیلات چندانی مناسب نیست زیرا قسمت اعظم کشورهای درحال توسعه جوامع کشاورزی هستند و آنچه لازم است مردم این جوامع بیاموزند در آموزش مقاطع ابتدایی و متوسطه وجود ندارد. این نبودن تناسب میان نیازهای این جوامع و محتوای نظام آموزشی از آن جهت است که الگوی نظام آموزشی کنونی، آموزش و پرورش غربی است که با سیستم جامعه غربی هماهنگ است. این سیستم با کمترین تغییر محتوا به جوامع درحال توسعه منتقل می‌شود. دومین مشکل نظام آموزشی از دیدگاه رادیکالی‌ها آن است که هزینه سنگینی بر بودجه کشورهای درحال توسعه تحمیل می‌شود. در واقع این هزینه سنگین برای تحقق توسعه و مدرنیته است که صرف می‌شود. فرض بر آن است که تخصص و مهارت نیروی انسانی از ارکان پیشرفت است و این معنا هم از طریق آموزش و پرورش تحقق می‌یابد پرداخت چنین هزینه سنگینی از طرف دولت‌ها تنها برای فراهم آوردن مقدمات توسعه صورت می‌گیرد؛ اما عملاً این هزینه سنگین که صرف آموزش می‌شود اگر صرف صنعت یا کشاورزی در این‌گونه جوامع گردد خیلی زود به هدف می‌رسد. مسأله‌ی سوم از نظر رادیکال‌ها عنوان می‌شود این است که آموزش و پرورش باعث تشدید توقعات شغلی در نیروهای تحصیل کرده می‌شود بی‌آنکه این‌ها بازده مفیدی در حد کلان برای جامعه داشته باشند. انتقاد چهارم رادیکال‌ها به نظام آموزشی آن است که نظام آموزشی حتی در کشورهای غربی با هدف اجرای عدالت اجتماعی تأسیس شد در جوامع پیشین وضع به‌این‌ترتیب بود که افراد پولدار می‌توانستند تحصیل کنند و صاحب موقعیت شغلی مناسب و موقعیت اجتماعی بالای شوند در نظام آموزش فعلی هم این اختلاف طبقاتی همچنان باقی مانده، در بدو تأسیس نظام آموزشی قرار بود دولت امکانات رایگان آموزشی را در اختیار همه افراد جامعه به‌ویژه افراد کم‌درآمد قرار دهد تا آن‌ها هم بتوانند تحصیل کنند و بتوانند به مشاغل بالادست یابند ولی عملاً چنین نشد یعنی توزیع فرصت‌های شغلی به‌صورت عادلانه صورت نگرفت زیرا امکانات آموزش عمومی رایگانی که دولت فراهم آورده است جوابگوی افراد کم‌بضاعت برای توفیق در این رقابت نیست رادیکال‌ها بر این باورند که نظام آموزشی به لحاظ برقراری عدالت اجتماعی موفق نبوده است. مسأله پنجم از نظر رادیکال‌ها مطرح است ضعیف بودن بعد پرورش نسبت به آموزش در نظام آموزش و پرورش است. به‌زعم این دیدگاه نظام آموزشی نسبت به امر پرورش موفق نبوده است. آن‌ها می‌پرسند کدام جامعه می‌توان ادعا کند که فرزندان فارغ‌التحصیلش که مقطع متوسطه را پشت سر گذارده‌اند واقعاً متخلق به اخلاق هستند؟ آیا خصوصیات اخلاقی و ارزشی به شکل فعلی به نسل‌های نو منتقل می‌شود (Shams, 2002: 305).

دیدگاه کارکردگرایان در مورد نظام آموزشی موجود در مقابل انتقادهای گوناگون رادیکال‌ها در مورد نظام آموزش فعلی، این‌گونه پاسخ می‌دهد که تحقیقات مختلف نشان داده این نظام آموزشی به لحاظ

نقش نظام آموزشی در مواجهه با آسیب‌های پیش روی دانش‌آموزان در ارتباط با تعامل . . .

فکری و ذهنی نیروهای تحت تعلیم خود را به سمت مدرنیته سوق می‌دهد و از آنجاکه لازمه مدرنیته، نوگرایی ذهنی است، باید گفت که نظام آموزش فعلی علی‌رغم معایب و نقص‌هایی که دارد توانسته است مقدمه‌ای برای مدرنیته باشد بنابراین می‌توان این نظام را اصلاح کرد.

در جمع‌بندی کلی می‌توان گفت آموزش و پرورش در جوامع امروزی به‌عنوان کلیدی‌ترین نهاد آموزشی در جهت توسعه همه‌جانبه به‌شمار می‌رود. چراکه در پرتو آموزش است که انسان‌ها متحول می‌شوند. بر پایه نظام آموزشی و تربیتی یک جامعه است که نظم و انضباط اجتماعی حالت نهادی به خود می‌گیرد و عامه مردم به‌طرف فرهنگ ترقی و توسعه حرکت می‌کنند. نظام آموزشی در برخورد با آسیب‌های اجتماعی مرتبط به اینترنت، فضای اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی امروزه رسانه‌ها، خصوصاً رسانه‌های جمعی عامل مهمی در اثرگذاری بر افکار عمومی و جهت‌دهی به رفتارهای اجتماعی محسوب می‌شوند. «طرح CB» یا طرح «مدارس مراقب به شیوه اجتماع‌محور» بیش از دو سال است که با هدف مصونیت‌بخشی دانش‌آموزان در برابر آسیب‌های اجتماعی، سوء‌مصرف مواد و رفتارهای پرخطر از طریق ارتقای مهارت‌های آنان در زمینه مواجهه فعال با رفتارهای پرخطر (گرایش به دخانیات، سوء‌مصرف مواد، خشونت و روابط ناسالم جنسی) و آسیب‌های نوپدید در مدارس خراسان رضوی در حال اجراست. طرح یادشده همه‌جانبه بوده و در راستای سلامت اجتماعی و روانی و با هدف کاهش عوامل خطر و افزایش عوامل محافظ در تمامی جنبه‌ها طراحی شده است. این طرح شامل مهارت‌های مقابله با اعتیاد و آسیب‌های اجتماعی است که در مدارس، دانش‌آموزان تحت آموزش بخشی از برنامه مهارت‌های زندگی به‌منظور ایجاد توانمندی در مواجهه مؤثر با مصادیق آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر و مقاوم‌سازی آن‌ها برای حل مسأله و تصمیم‌گیری در مواقع خطر، قرار می‌گیرند (Shahrara, 2013: 5). لذا با توجه به مباحث فوق پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این پرسش اساسی است که مدیران، مسئولان و کارشناسان نظام آموزشی چه تجربیاتی در فعالیتهای مراقبتی و پیشگیرانه در مواجهه با پیامدهای منفی فضای مجازی در میان دانش‌آموزان کاربر دارند؟

هدف اصلی پژوهش بررسی نقش نظام آموزشی در مواجهه با آسیب‌های پیش روی دانش‌آموزان در ارتباط با تعامل آنها با فضای مجازی می‌باشد. اهداف فرعی پژوهش نیز شامل مطالعه و بررسی اقدامات نظام آموزشی به منظور افزایش آگاهی نوجوانان و جوانان در استفاده مناسب از دنیای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و فعالیتهای پیشگیرانه و مراقبتی و ارائه راهکارها و پیشنهادهایی در جهت حل موانع و مشکلات پیش روی دانش‌آموزان و پیشنهادهای ارائه‌شده برای اثربخشی مؤثر برنامه‌های نظام آموزشی می‌باشد.

ابزار و روش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه: از آنجایی که این پژوهش دارای رویکرد کیفی می‌باشد از روش مطالعه کتابخانه‌ای و مصاحبه‌ای در این تحقیق استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش، مدیران

مدارس متوسطه و کارشناسان نظام آموزشی شهر اردبیل است. نمونه‌گیری در این جامعه از طریق روش هدفمند انجام می‌گیرد. در پژوهش‌های کیفی از ابتدا نمی‌توان حجم نمونه را تخمین زد. در تحقیقات کیفی، حجم نمونه مترادف با کامل شدن داده‌ها می‌باشد با این حال در این پژوهش برای تعیین حجم نمونه از اشیاع داده‌ها استفاده شد. بدین معنی که فرآیند گزینش نمونه تا جایی ادامه یافت که دیگر هیچ داده جدیدی پدیدار نشد و اطلاعات دریافتی تکراری می‌باشد به عبارتی داده‌ها به اشیاع رسیدند که اصطلاحاً در تحقیقات کیفی به آن شاخص اشیاع نظری گفته می‌شود (Given, 2008). برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش پیشنهادی اسمیت استفاده شده است (Adib, Haj Bagheri, 2012). اسمیت سه مرحله را برای تحلیل داده‌ها در روش پدیدارشناسی پیشنهاد کرده است:

۱- تولید داده‌ها

۲- تجزیه و تحلیل داده‌ها

۳- تلفیق موردها.

مرحله تجزیه و تحلیل داده‌ها شامل ۴ مرحله می‌باشد:

۱- مواجهه اولیه: خواندن و بازخوانی یک مورد

۲- تشخیص و برچسب زدن به مقوله‌ها

۳- لیست کردن و خوشه‌بندی مقوله‌ها

۴- ایجاد یک جدول خلاصه‌سازی.

بدین ترتیب که مصاحبه‌ها پس از ضبط بر روی فایل صوتی به نوشتار تبدیل شد سپس محقق به خواندن و بازخوانی مکرر متن هر یک از مصاحبه‌ها پرداخته سپس مقوله‌های جزئی و فرعی تعیین و برچسب زده شد پس از آن محقق به سازمان‌دهی و خوشه‌بندی مقوله‌ها اقدام نمود (به این معنا که با استمرار مقایسه و لحاظ کردن تفاوت‌ها و شباهت‌های مقوله‌های فرعی، مقوله‌های کلی‌تر استخراج شد) سپس برای هر یک از مصاحبه‌ها یک جدول خلاصه‌سازی از مقوله‌های سازمان‌دهی شده تدوین شد.

یافته‌ها

اینترنت به دلیل برخورداری از ویژگی‌هایی نظیر: بی‌مکانی، فرازمانی، محدودیت‌نداشتن به قوانین مدنی متکی بر دولت - ملت‌ها، قابل دسترسی بودن به‌طور همزمان، برخورداری از فضاهای فرهنگی، اعتقادی، اقتصادی و سیاسی جدید و خصوصاً داشتن پویایی و آزادی عمل کاربران در استفاده از آن، توانسته است روزبه‌روز مخاطبان بیشتری را به خود جذب کند و هر یک از این مخاطبان متناسب با ویژگی‌های فردی و اجتماعی خود، استفاده‌های خاصی از این رسانه جدید می‌کنند و تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند.

نقش نظام آموزشی در مواجهه با آسیب‌های پیش روی دانش‌آموزان در ارتباط با تعامل . . .

در ارتباط با نقش نظام آموزشی در مواجهه با آسیب‌های فضای مجازی بر دانش‌آموزان کاربر، داده‌های زیر جمع‌آوری شده است. پس از آن که تجربیات مدیران و کارشناسان نظام آموزشی درباره برنامه‌ها و عملکردهای انجام‌شده در مواجهه با آسیب‌های پیش روی دانش‌آموزان در ارتباط با فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی مورد تحلیل قرار گرفت، ۴ خوشه اصلی (راهکارها و برنامه‌های آموزشی انجام‌شده، نقش پیشگیرانه و مراقبتی نظام آموزشی، موانع و مشکلات و پیشنهادهای ارائه‌شده برای اثربخشی مؤثر برنامه‌ها) و ۱۵ مقوله فرعی شناسایی شد. در زیر به توضیح و تفسیر آن‌ها می‌پردازیم.

جدول (۱): مضامین اصلی و فرعی تجربیات مدیران و کارشناسان آموزشی

مضامین اصلی	مضامین فرعی
راهکارها و برنامه‌های آموزشی انجام‌شده	۱. آموزش و تقویت سواد رسانه‌ای و دیجیتال دانش‌آموزان
	۲. برگزاری کارگاه آموزشی و طرح آموزش خانواده
	۳. تقویت فعالیت‌های جایگزین
	۴. اطلاع‌رسانی رخدادهای فضای مجازی
نقش مراقبتی و پیشگیرانه نظام آموزشی	۱. فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی
	۲. تقویت هویت دینی
	۳. تدوین و ابلاغ دستورالعمل‌های اجرایی مراقبتی و پیشگیرانه
پیشنهادها و راهکارهای ارائه‌شده برای اجرای اثربخشی مؤثر برنامه‌ها	۱. تهیه و تولید کتاب‌ها و نرم‌افزارهای آموزشی
	۲. ارتقای سواد رسانه‌ای آحاد جامعه به‌ویژه والدین
	۳. برگزاری دوره‌های تخصصی و تربیت نیروهای متخصص
موانع و مشکلات	۱. عدم همکاری خانواده‌ها با نظام آموزشی
	۲. موانع اقتصادی (اختصاص بودجه کم به این برنامه‌ها)
	۳. محدودیت زمانی
	۴. نبود برنامه‌های جامع و مدون
	۵. توجه کم به بعد تربیتی و پرورشی دانش‌آموزان در فعالیت‌های فوق‌برنامه‌ای

۱- راهکارها و برنامه‌های آموزشی انجام‌شده: که شامل ۴ دسته مقوله فرعی، آموزش و تقویت سواد رسانه‌ای و دیجیتال دانش‌آموزان و معلمان، برگزاری کارگاه آموزشی و طرح آموزش خانواده، تقویت فعالیت‌های جایگزین و اطلاع‌رسانی رخدادهای فضای مجازی به‌عنوان فعالیت‌های انجام‌شده در این حیطه می‌باشد. در عصر جدید و با ویژگی‌های ظهور وسایل ارتباط نوین به‌مراتب بیش از گذشته جوانان و نوجوانان تحت بمباران رسانه‌ای هستند که به نظر بهترین راه ممکن برای بقاء در این شبکه اطلاعاتی که در سراسر محیط فرهنگی ما ریشه دوانده است، افزایش مهارت‌ها و توانایی‌ها در برخورد با این امواج فراگیر است که تنها از طریق تکامل سواد رسانه‌ای میسر است و سواد رسانه‌ای نه‌تنها به بزرگسالان بلکه به کودکان مهارت‌های لازم برای برقراری ارتباطی آگاهانه و متفکرانه با رسانه را می‌آموزد همه نیاز دارند به این‌که در انتخاب‌هایشان بیشتر دقت کنند، درست مانند آنچه مردم در مورد تغذیه خودشان عمل می‌کنند. زمانی که در بزرگراه‌های اطلاعاتی حرکت می‌کنید، سواد رسانه‌ای می‌تواند به شما بگوید چه مقدار از وقتتان را در چه سایت‌هایی - اعم از شناخته‌شده و ناشناخته و چه مقدار از آن را فرضاً در چت‌روم‌ها بگذرانید؛ بنابراین می‌توان گفت که هدف سواد رسانه‌ای در نخستین گام‌های خود، تنظیم یک رابطه‌ی منطقی و مبتنی بر هزینه - فایده با رسانه‌ها است. هدف سواد رسانه‌ای هوشیار کردن، مخاطب است. یکی از پیامدهای سواد رسانه‌ای، بالا رفتن سطح آگاهی است که می‌تواند منجر به ایجاد ارتباطات

اجتماعی سالم‌تر شود به‌عنوان نمونه یکی از مصاحبه‌شوندگان در این مورد بیان می‌کند «طرح‌ها و برنامه‌هایی مانند اینترنت در مدارس، هوشمندسازی مدارس، تولید محتوای الکترونیکی در بعضی از مدارس خاص، پورتال مدارس و محتوای الکترونیکی آماده در پورتال رشد از جمله برنامه‌هایی است که برای تقویت سواد رسانه‌ای انجام شده است». از جمله گروه‌های تأثیرگذار در نظام تعلیم و تربیت، والدین دانش‌آموزان می‌باشد که با توجه به نتایج حاصل از تحقیق، بازوی راست مدرسه و معلم محسوب می‌شوند چون نقش والدین، نقشی برابر با معلم است همان‌گونه که معلم با فراهم آوردن فرصت‌های مناسب یادگیری، به رشد دانش‌آموز کمک می‌کند والدین نیز در خانه با روش‌ها و تجربیات خود، فعالیت‌های نیمه‌کاره معلمان را تکمیل می‌کنند. از این‌روست که جایگاه والدین، برابر جایگاه معلم بوده و نقش مکمل، همراه با مدرسه و معلم در رشد دانش‌آموز ایفا می‌کنند. صاحب‌نظران تعلیم و تربیت، نهاد خانواده را مؤثرترین نهاد برای آموزش و پرورش غیررسمی و اولین فضای مساعد برای ایجاد عادات مناسب تربیتی می‌دانند. به علت سرعت رشد ورود تکنولوژی در میان جوانان و نوجوانان و اختلاف سطح تحصیلات والدین و فرزندان، فاصله‌ای ایجاد شده که والدین نتوانند فرزندان خود را مدیریت کنند، نقش پدران و مادران و تأثیر عمیق و گسترده آن‌ها در پرورش کودکان و نوجوانان ایجاب می‌کند که به‌صورت‌های مختلف آموزش ببینند و با جدیدترین اطلاعات و منابع مربوط به مدیریت خانواده و شیوه رفتار با فرزندان آشنا گردند و روش‌های صحیح در تربیت را یاد بگیرند به‌عنوان نمونه یکی از پاسخ‌دهندگان اظهار می‌کند «از اقدامات آموزش و پرورش طرح آموزش خانواده جهت آشنایی و آگاه‌سازی اولیاء با مشکلات و برخی از آسیب‌های پیش روی دانش‌آموزان و راهکارهای پیشنهادی به‌عنوان یک عامل مؤثر در تربیت فرزندان است».

۲- نقش مراقبتی نظام آموزشی یکی دیگر از مضمون‌های پدیدار شده از تجربیات مدیران مدارس و کارشناسان آموزشی است: در رابطه با این مضمون مصاحبه‌شوندگان، فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی، تقویت هویت دینی، تدوین و ابلاغ دستورالعمل‌های اجرایی مراقبتی و پیشگیرانه را از نقش‌های نظام آموزشی مطرح کردند. یکی از نقش‌های نظام آموزشی فرهنگ‌سازی و معرفی الگوی صحیح استفاده از فضای مجازی به دانش‌آموزان است. فرهنگ از ۶ لایه مجزا و درعین‌حال مرتبط به یکدیگر تشکیل شده ۳ لایه نخست هسته فرهنگ و ۳ لایه بعد پسته فرهنگ را تشکیل می‌دهد لایه نخست (باورها) به معنای نظام جهان‌بینی و اعتقاد انواع نگرش به خدا، انسان و جهان است. لایه دوم (ارزش‌ها) به معنای بایدها و نبایدها است. لایه سوم (هنجارها) به معنای الگوی رفتاری برآمده از ارزش‌هاست. لایه چهارم (نمادها و اسطوره‌ها) شامل سرود، پرچم، مشاهیر و شخصیت‌های علمی و فرهنگی کشور. لایه پنجم (آیین‌ها و آداب و رسوم) رفتارهای اجتماعی را شکل می‌دهد و منجر به جامعه‌پذیری و درونی کردن عادات‌ها و علایق اجتماعی می‌شود. لایه ششم را فناوری‌ها و مهارت‌ها و نوآوری‌ها تشکیل می‌دهد. لایه بیرونی فرهنگ قابل‌تغییر است (Lull, 2000). می‌توان از طریق انتقال محتویات فرهنگی موجبات تغییر

نقش نظام آموزشی در مواجهه با آسیب‌های پیش روی دانش‌آموزان در ارتباط با تعامل . . .

در پوسته فرهنگ از جمله الگوی تماس، نحوه صحبت، تفریحات، آماده‌سازی و الگوی مصرف و شیوه‌های ارتباطات عمومی را فراهم آورد. فرهنگ امری اکتسابی است که به‌وسیله محیط اجتماعی از جمله؛ خانواده، همسالان، دوستان، نظام‌های آموزشی، رسانه‌های جمعی و غیره به فرد انتقال داده می‌شود تا با فراگیری و درونی کردن آن، راه و روش زندگی اجتماعی مطلوب جامعه خود را فراگرفته و با جهت‌دهی به کلیه رفتارها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی خود، زمینه رشد و تعالی وی فراهم شود. نظام آموزشی از طریق برجسته ساختن برخی بایدها و نبایدها و آموزش دهی در حوزه فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی می‌تواند یاریگر کاربران در این حیطة باشد. نظام آموزش و پرورش می‌تواند از طریق برنامه‌های درسی فرصت و امکان مناسب را برای درونی سازی ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی فراهم سازد در فرایند فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی باید کلیه نهادها اعم از خانواده، مدرسه، گروه‌های مرجع و رسانه‌ها به‌صورت هماهنگ به ارتقای دانایی در خصوص دنیای مجازی عمل کند اظهارات بیان‌شده توسط مصاحبه‌شوندگان در این مورد نشان می‌دهد «بعضی از دبیران استفاده صحیح از اینترنت را به نوجوانان می‌آموزند و برای هر مبحث درسی فهرستی از سایت‌های مجاز و مناسب را تهیه کرده از دانش‌آموزان می‌خواهند در مهلت مقرر به همه آن‌ها مراجعه کرده مطالب مربوط را مطالعه و استخراج کنند. بدین ترتیب آن‌ها فرصت استفاده از سایت‌های غیرمجاز را از دانش‌آموزان می‌گیرند.»

هدف کلی آموزش و پرورش در هر جامعه‌ای این است که هر فرد را طبق الگوی اعتقادات و ارزش‌های فرهنگی، دینی، اجتماعی، سیاسی خود تربیت کند و انسانی متناسب و شایسته آن جامعه تحویل دهد. از وظایف نظام آموزشی به‌ویژه مدارس در حیطة تربیتی بسترسازی برای شناخت عمیق دانش‌آموزان از تعلقات و ارتباطش نسبت به دین است و از آن‌ها انتظار می‌رود که ارزش‌های دینی و سنت‌های جاری جامعه را در دانش‌آموزان جای‌گیر سازند. اظهارات تعدادی از پاسخ‌دهندگان گویای این مطلب است «تقویت هویت دینی و آشناسازی دانش‌آموزان با ارزش‌های دینی تا حدی می‌تواند به‌عنوان یک عامل بازدارنده در ورود بچه‌ها به مسیرهای پرخطر فضای مجازی باشد.»

یکی از وظایف اصلی نظام تعلیم و تربیت در هر جامعه، فراهم کردن زمینه و فرصت‌های مناسب یادگیری به‌منظور رشد و شکوفایی استعدادها و گوناگون و متنوع دانش‌آموزان است علاوه بر نیازهای متنوع دانش‌آموزان، نیازهای برخاسته از شرایط خاص فرهنگی اجتماعی در ابعاد ملی و محلی و همچنین اقتضات بین‌المللی، نظام‌های آموزشی را با چالش جدی روبه‌رو نموده است. نظام آموزشی با تدوین و ابلاغ دستورالعمل‌ها با رویکردهای پیشگیرانه و مراقبتی حاکم بر نظام آموزشی و پرورشی به دنبال تدابیر مناسب برای مواجهه با چالش‌های فوق می‌باشد. یکی از مصاحبه‌شوندگان عنوان می‌کند «رویکرد اولیه نظام آموزشی در مواجهه با آسیب‌های اجتماعی رویکرد پیشگیری و مراقبتی می‌باشد یکی از وظایف نظام تعلیم و تربیت شناسایی و پیشگیری از رفتارهای پرخطر است و برنامه‌های پیشگیرانه عمومی به‌صورت کلی به همه گروه‌های ذینفع معلمان، دانش‌آموزان و والدین ارائه شده است.»

۳- موانع و مشکلات: اکثر مصاحبه‌شوندگان، حرکت ضعیف روبه‌جلو نظام آموزشی در مقابله با برخی از آسیب‌ها را در ۵ مقوله فرعی شامل همکاری ضعیف والدین با مدرسه و نظام آموزشی، اختصاص بودجه کم به این برنامه‌ها (مشکلات مالی)، محدودیت زمانی، نبود برنامه‌های جامع و مدون، توجه کم به بعد تربیتی و پرورشی دانش‌آموزان در فعالیت‌های فوق‌برنامه‌ای را به‌عنوان موانع اصلی در این خوشه مطرح کردند. تربیت صحیح کودکان و نوجوانان کوشش و همکاری متقابل خانواده و مدرسه را برای شناخت و چاره‌جویی مسائل روزمره تربیتی ایجاب می‌کند. به طوری که امروزه پیوند مستمر خانه و مدرسه و ارتباط متقابل اولیا و مربیان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان تعلیم و تربیت مطرح است. آنجا که پدر و مادر مسؤولیت تربیت فرزند خویش را یکجا به مدرسه محول می‌کنند و از آن نیازها و ضرورت‌های تربیتی فرزند خویش که در چارچوب تربیت عمومی و رسمی نمی‌گنجد، فارغ هستند و به انتظار نتایج تربیت رسمی، فرصت‌ها را از دست می‌دهند دشواری‌ها و کمبودهایی پدید می‌آید که همکاری و همفکری خانواده و مدرسه به‌موقع و به‌سادگی می‌تواند در جهت رفع آن‌ها مؤثر باشد. برای مربی و معلم نیز در مسأله تربیت و تعلیم گاه‌وبیگاه مسائلی پیش می‌آید که چاره‌جویی آن‌ها مستلزم آگاهی از علت‌هایی است که از شرایط خانوادگی ناشی می‌شوند در اینجاست که همکاری خانه و مدرسه ضروری می‌نماید (Ahangarani, 1996). پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان در این خصوص «صرف وجود دوره‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی و کنترل خارجی دانش‌آموزان کافی نیست باید خانواده‌ها با نظام آموزشی در راستای عملیاتی کردن طرح‌ها و برنامه‌های پیشگیرانه همکاری کنند.»

مسأله تأمین منابع مالی در آموزش و پرورش و کسر بودجه از جمله عوامل اثرگذار بر فعالیت‌های آموزش و پرورش است. زمانی و همکاران (۱۳۸۹) پژوهشی با عنوان بررسی چالش‌های پذیرش و کاربرد فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در بین دبیران مدارس متوسطه شهر اصفهان بر اساس مدل موانع کاربرد فاوا را انجام دادند که بر اساس الگویی که از طریق پیشینه پژوهش‌های قبلی به‌دست آوردند مدل جدیدی را به‌عنوان موانع موجود در پذیرش و کاربرد فن‌آوری ارائه کردند که عبارت است از:

- ۱- حمایت سازمانی: که شامل مؤلفه‌های (وجود نداشتن محرک‌های انگیزشی لازم برای استفاده از فاوا، یکسان نبودن سطح اطلاعات افراد در زمینه استفاده از فاوا، سختی و پیچیدگی کار با فاوا، همکاری نکردن دبیران با یکدیگر در امر آموزش، مناسب نبودن زمان برگزاری کلاس‌های ضمن خدمت) می‌باشد.
- ۲- مدیریت: که شامل مؤلفه‌های (نظارت نداشتن مدیران در اجرای طرح ورود فن‌آوری به مدارس، شفاف بیان نشدن تصمیمات و دیدگاه‌ها و اهداف ورود فن‌آوری به سازمان، تلاش نکردن مدیران برای برقراری ارتباط دبیران با فاوا، آشنا نبودن عوامل اجرایی طرح به چرایی و چگونگی کار، انجام نشدن فعالیت‌هایی مبتنی بر فاوا در کلاس درس و طراحی کتب و امتحانات، مشکل مدیریت و اداره کلاس درس و آزادی بیش‌ازحد دانش‌آموزان در کلاس‌هایی که از فاوا استفاده می‌کنند) می‌باشد.

نقش نظام آموزشی در مواجهه با آسیب‌های پیش روی دانش‌آموزان در ارتباط با تعامل . . .

۳- آموزش و تدوین برنامه‌های رشد و توسعه: که شامل مؤلفه‌های (کاربردی نبودن دوره‌های آموزش ضمن خدمت، نداشتن آموزش کافی در زمینه چگونگی استفاده از فن‌آوری، نداشتن زمان ثابت و مشخص در برنامه آموزشی، جدی نگرفتن کلاس‌های ضمن خدمت «ناکارآمدی روش‌های آموزشی در این کلاس‌ها»، پیگیری نشدن نتایج دوره‌های آموزشی گذشته) می‌باشد.

۴- منابع و امکانات مالی و تجهیزاتی: که شامل مؤلفه‌های (دسترسی نداشتن به منابع سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، مشغله زیاد کاری، مکفی نبودن حقوق و مزایای دریافتی دبیران) می‌باشد.

۵- ارزش و فرهنگ کلاس درس: که شامل دو مؤلفه‌ی (غلبه فرهنگ استاد محوری در کلاس‌های درس، ترس معلمان از این‌که فاوا جانشین آن‌ها در کلاس درس شود) می‌باشد.

زمان یکی از عناصر کلیدی برنامه درسی است که رابطه تنگاتنگی با عنصر هدف دارد به‌زعم مهر محمدی (۱۳۸۷) اگر تصمیمات گرفته‌شده درباره عناصر برنامه با یکدیگر سازگاری داشته باشد همخوانی در برنامه درسی به وجود خواهد آمد. هماهنگی عنصر زمان با دیگر عناصر برنامه درسی امری ضروری و اثرگذار در برنامه درسی است در جهت‌گیری کلی ترسیم‌شده برای محتوا در برنامه درسی ملی، متناسب بودن محتوا با زمان آموزش مورد تأکید است (Higher Education Council, 2013). یکی از مصاحبه‌شوندگان عنوان کرد «حجم زیاد کتاب‌ها و کمبود زمان به‌ویژه در دوره متوسطه دوم که مسأله کنکور و ورود به دانشگاه مطرح است از عواملی است که مانع از اجرای مؤثر برنامه‌های تربیتی می‌شود.» به نظر کریمی (۱۳۸۴) اصولاً برنامه‌های رسمی و متداول و کلاس‌ها و مدارس بیشتر متوجه پرورش حافظه و به کار انداختن قوای ذهنی شاگردان است و به رشد جنبه‌های عاطفی و اجتماعی افراد چندان توجهی ندارد. فراگرفتن علوم با نشستن بر روی نیمکت مدرسه و گوش دادن به سخنان معلم میسر نیست شاید آموزش صرف صورت گیرد اما در آموزش واقعی باید دانش‌آموز از کلاس بیرون بیاید و وارد زندگی و اجتماع شود. در مدرسه طوری برنامه‌ریزی شود که معلم و دانش‌آموز اندیشه خلاق خود را به کار ببندند و مهارت‌هایی مانند تفکر و تصمیم‌گیری را کسب کنند. ملکی (۱۳۸۵) با توجه به تحولات و دگرگونی‌های سریع اجتماعی معتقد است افراد باید مهارت‌های ویژه‌ای را کسب نمایند تا از روی اندیشه بر سرنوشت خویش حاکم باشند و در انجام مسؤلیت خود نقش مؤثر و سازنده را ایفا نمایند که این امر به‌تنهایی از عهده آموزش رسمی بر نمی‌آید. لذا باید فعالیت‌های جانبی طرح‌ریزی شود که در غالب آن‌ها آمادگی‌های لازم برای زندگی کردن با جمع با مراعات حقوق متقابل تمرین شده باشد. فقدان این فعالیت‌ها در اوقات فراغت موجب می‌گردد که کودکان و نوجوانان در معرض موقعیت‌های پرخطر قرار بگیرند. نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان در این مورد «اکثریت دبیران برای جبران کردن کمبود زمان آموزشی از کلاس‌های فوق‌برنامه برای جبران کلاس‌های آموزشی استفاده می‌کنند تا کتاب را به پایان برسانند در اثر مدارس ایران کلاس‌های فوق‌برنامه‌ای بیشتر از آنکه جنبه تربیتی داشته باشد جنبه آموزشی دارد» در کنار برنامه‌های درسی رسمی پرداختن به برنامه‌های غیررسمی (فوق‌برنامه‌ای) که

نقش مکمل را در نظام تعلیم و تربیتی دارد مناسب می‌باشد؛ بنابراین سرپرستان و مربیان در طراحی برنامه فوق‌برنامه شایسته است تحقق هدف‌های جسمانی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، اخلاقی، دینی، عاطفی و سیاسی است دنبال نمایند.

۴- پیشنهادهای ارائه‌شده برای اثربخشی مؤثر برنامه‌ها بیشتر مصاحبه‌شوندگان راهکارهای، تهیه و تولید کتاب و نرم‌افزارهای آموزشی، ارتقای سواد رسانه‌ای آحاد جامعه به‌ویژه والدین و برگزاری دوره‌های تخصصی و تربیت نیروهای متخصص برای اثربخشی برنامه را به‌عنوان مؤلفه‌های فرعی این خوشه مطرح کرد.

با توجه به اینکه یکی از ابزارهای مهم آموزش و پرورش کشور ما کتاب‌های درسی است طراحی و تدوین بخشی در کتاب‌های درسی در ارتباط با آشنایی دانش‌آموزان با فناوری‌های جدید اینترنت و خطرات بالقوه آن‌ها می‌تواند آسیب‌های پیش رو را کاهش دهد نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه «تهیه و تولید کتاب‌ها، کتابچه‌ها و نشریه‌ها با محتوای آشنایی رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی و ارائه تجربیات و مهارت‌های مقابله با آسیب‌ها با همکاری خود دانش‌آموزان در قالب تشکل‌های دانش‌آموزی باعث کاهش رفتارهای پرخطر می‌شود.»

فاصله اطلاعاتی و مهارتی بین جوانان و والدین از یک‌سو و تنوع و تخصصی شدن رسانه‌های جدید لزوم ارتقای سواد و مهارت‌های رسانه‌ای را دوچندان می‌کند. هدف سواد رسانه‌ای این است که به مردم نشان دهد چگونه کنترل را از رسانه‌ها به خود معطوف کنند. افزایش سواد رسانه‌ای آحاد جامعه باعث تنظیم رژیم مصرف رسانه‌ای کاربران و کنترل تأثیرات نامناسب فضای مجازی می‌شود. در تأیید این مطلب می‌توان به اظهارات یکی از پاسخ‌دهندگان اشاره کرد «لزوم هوشیاری خانواده‌ها نسبت به تهدیدات فضای سایبری در درجه‌ی نخست اولویت قرار دارد. پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و توجه والدین به رفتار فرزندان بسیار مهم می‌باشد و برای جلوگیری از بروز رفتارهای پرخطر، والدین باید تا حدودی به فناوری‌های روز دنیا مسلط باشند چنانچه خانواده‌ها نسبت به شیوه‌های جدید ارتباط فرزندان خودآگاهی و شناخت کافی و لازم را داشته باشند، از انجام بسیاری از جرائم ارتباطات پنهانی آنان جلوگیری به عمل می‌آید.»

تغییرات شتابنده ناشی از تحولات فناوری اطلاعات و ارتباطات و پیشرفت سریع و همه‌جانبه تکنولوژی باعث گشته است که آموزش دانشگاهی و عمومی که نیروی انسانی سازمان‌ها آن‌ها را قبلاً گذرانده‌اند نتوانند پاسخگوی مسائل جدید باشند. لذا به‌منظور مواجهه شایسته با تغییرات پیش رو، سازمان‌ها درصدد آموزش نیروی انسانی خود با هدف افزایش کارایی، مهارت، دانش و نگرش و اثربخشی بیشتر هستند (Safai Movahed, 2012: 23-43). پاسخ یکی از مصاحبه‌شوندگان در این راستا «ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای معلمان، مربیان و مشاوران در راستای بهره‌گیری مناسب از دنیای مجازی و انتقال تجربیات پیشگیرانه به دانش‌آموزان. ضروری است.»

نقش نظام آموزشی در مواجهه با آسیب‌های پیش روی دانش‌آموزان در ارتباط با تعامل . . .

بحث و نتیجه‌گیری

فضای مجازی فرصت‌ها، قابلیت‌ها و امکانات فراوانی دارد که نمی‌توان آن‌ها را از نظر دور داشت این پدیده نوظهور آسیب‌هایی را هم به دنبال دارد استفاده نادرست و بیش‌ازحد از آن در بین برخی از افراد به‌ویژه دانش‌آموزان و غرق شدن در دنیای مجازی و جدا شدن از دنیا واقعی فواید دنیای مجازی را به آسیب تبدیل کرده است و نظام آموزشی برای کاهش برخی آسیب‌های پیش رو مسؤلیتی بزرگ دارد چراکه آموزش‌وپرورش در قلب تعالی فرهنگی جامعه جای دارد و جزو اساسی آن به شمار می‌رود و این نظام آموزشی با توجه به رسالت خود و با درونی‌سازی ارزش‌ها و فضیلت‌ها و به دلیل ارتباط مستمر و طولانی با کودکان و نوجوانان و خانواده آنان، نهادی اثرگذار برای اجرای برنامه‌های پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی است. مدرسه به‌عنوان مهم‌ترین نهاد در نظام آموزشی نباید مسؤلیت خود را به پرورش قوای عضلانی و آشنا ساختن دانش‌آموزان با ارزش‌های شناختی خلاصه کند بلکه این نهاد آموزشی مسؤول تغییر و اصلاح رفتارهای ناسازگار و تأمین سلامت روانی کودکان و نوجوانان است. مدارس می‌توانند در روابط اجتماعی کودکان مؤثر بوده و آن‌ها را از انزوای حاصل از بازی‌های رایانه‌ای و فضای مجازی خارج کند. با استفاده از امکانات عظیم نظام آموزشی و با کمک‌مربیان تربیتی و اولیای مدرسه می‌توان در نوع نگرش، طرز تفکر و سبک زندگی افراد تغییر مثبت ایجاد کرده و از بخشی از آسیب‌های فضای مجازی پیشگیری کرد یا آسیب‌ها را به حداقل رساند.

به‌منظور پیشگیری و کاهش آسیب‌های موجود در فضای مجازی پیشنهادهایی مطرح شده‌اند که در صورت اجرای به‌موقع و مناسب می‌توانند ثمربخش واقع شوند:

- نظام آموزشی نقش اساسی در گردش امور جامعه و تداوم بقای آن بر عهده دارد. پیشنهاد می‌شود نظام آموزشی علاوه بر توجه به مواد درسی به خود دانش‌آموز و به بعد تربیتی و نیازهای او توجه کند آموزش و پیشرفت در علم تنها یکی از ارکان اصلی فعالیت‌های نظام آموزشی است.

- پیشنهاد می‌شود دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان آموزش‌وپرورش فرصت‌های بیشتری جهت آموزش مهارت‌های رسانه‌ای ایجاد کنند.

- با توجه به گسترش روزافزون فضای مجازی در عرصه‌های مختلف پیشنهاد می‌شود در کتب درسی مباحث جداگانه‌ای با عنوان شاخص‌های سواد رسانه‌ای ایجاد شود.

- پیشنهاد می‌شود خانواده به‌عنوان اولین نهاد تربیتی و دستیار نظام آموزشی با همراهی مدرسه و سیستم آموزشی به دنبال اصلاح تجربیات منفی فرزندان خود در ارتباط با تعامل با دنیای مجازی باشند.

- برگزاری کلاس‌های آموزشی در مدارس جهت آگاهی دادن به نوجوانان و جوانان در مورد مزایا و معایب فناوری‌های جدید و نحوه‌ی استفاده‌ی صحیح از آن‌ها.

References

- Adib H. B, Parvizy, S & Salsali, M (2012). Qualitative research methods, Tehran: Publishing and promoting the human (Text in Persian).
- Ahangarani, A. (1996). The effect of parent participation on children's social development and academic achievement, Tehran: Of Organization Education (Text in Persian).
- Dehkordi, S. (2013). The School and its Role in the Education of Values, Marefat, N179, P95-104 (Text in Persian)
- Durrani, K. (1997). History of Iran education before and after the Islamic, Tehran research organizations and universities Humanities Textbooks, Samt publish (Text in Persian).
- Given, L.M. (2008). The SAGE Encyclopedia of Qualitative Research Method, London: Sage Publication.
- Higher Education Council. (2013). National Curriculum Islamic Republic of Iran, Tehran: Research Organization and Educational Planning (Text in Persian).
- Hosseini, A. (2014). Analyzing the Behavior of Young People in Virtual social Networks and Role of Media in Guiding and supporting them, Social sciences, youth studies / media, Issue 13, pp 87-112 (Text in Persian)
- Karimi, SH. (2006). Guidelines of complementary activities and extra-curricular, Teachers Research Center of Isfahan (Text in Persian).
- Lull, J. (2000). Media, commucation, culture.A Global Approach, Cambridge, U K Polity press.
- Maleki, H. (2006). Acquaintance Of the activities of social education, Publications of Ayyegh (Text in Persian)
- Mehrmohammadi, M. (2003). Curriculum: views, approaches and perspectives, Tehran: Samt, Mshahad, AstanQodsRazavi (Text in Persian).
- SafaiMovahed, S MirAhmad, KH, & Salehi, M (2012). Evaluate the effectiveness of in service training courses and their role in improving the professional performance of teachers. Organizational behavior, N 2, p 23-43 (Text in Persian)
- Shams, F. (2002). The impact education on modernism, Humanities journal, No 38, pp. 303-313 (Text in Persian)
- Shariatmadari, A. (2012). Principles of Philosophy of Education, Publications of Amir kabir, (Text in Persian)
- Social Injury prevention education (2013). Shahr Ara, p. 5, No. 1334 (Text in Persian).
- Zamani, B. Abedi, A. Soleimani, N. & Amini, N. (2010). Check Acceptance and Use of information technology and communication challenges among high school teachers in Isfahan based on usage barriers model. Special Issue management of libraries and information science centers, P 227-243 (Text in Persian).